

## بررسی مولفه های فرهنگی تاثیرگذار بر رشد اجتماعی دانش آموزان

معصومه السادات ابطحی<sup>۱</sup>، پروانه فتحعلی بیگی<sup>۲</sup>، سمیه سلمانی کله<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، رشته برنامه ریزی درسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، معلم پایه ششم ابتدایی استان تهران، ایران.

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، رشته برنامه ریزی درسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، مربی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، واحد پیشوا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

معصومه السادات ابطحی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

### چکیده

امروزه، صاحب نظران در عرصه های مختلف بر این باورند هر ملتی بخواهد پیروز میدان رقابت جهانی باشد نیازمند اصلاحات همه جانبه در فرهنگ است. از آنجا که سازمانهای آموزشی از جمله مدارس در ارتباطی هم بسته با سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی، وسیله انتقال میراث فرهنگی و عامل تکامل فرهنگ در قلب هر گونه اصلاحات و آسیب شناسی فرهنگی است بنابراین، مدیران و کارکنان سازمانهای آموزشی از جمله مدارس باید با نگاه آسیب شناسانه و بازخوردهای مستمر فرهنگ را تحلیل و سازمان مطلوب خود را تعریف کنند. تحقیق حاضر با توجه به اهداف آن از نوع پژوهش های کاربردی است، از نظر روش یک پژوهش میدانی است و از نظر راهبرد، پیمایشی است. جامعه ی آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه ی دانش آموزان پایه ی ششم ابتدایی منطقه ۱۲ شهر تهران. به منظور تعیین تعداد نمونه از مدل تصمیم گیری کرجسی و مورگان و کوهن که رهنمون های قابل تعمیم را پیشنهاد نموده اند استفاده شد و با استفاده از فرمول، خروجی نمونه آماری به ۹۳ نفر رسید و در این پژوهش از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. پرسشنامه ی رشد اجتماعی ابعاد همکاری، خوش خلقی و سازگاری، احترام به دیگران، مسئولیت پذیری، امیدواری، خوش بینی و صبر و بردباری را در دانش آموزان، و پرسشنامه ی فرهنگ مدرسه مولفه های فرهنگی در نظام ملی آموزش و پرورش، سازمان مدرسه، برنامه درسی، ارتباط حرفه ای و رشد حرفه ای را مورد سنجش قرار داد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، رشد اجتماعی، آموزش و پرورش.

## مقدمه

با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی ایران و تلاشهای گسترده مسئولین و مدیران در جهت بهبود و اصلاح آموزش و پرورش ایران نظام آموزشی هنوز هم در تلاش است تا از کارایی و اثربخشی کاملاً مطلوب در صحنه تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی برخوردار باشد. در ذات چندین سند ملی از جمله سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش، سند تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، سند "آموزش برای همه"، سند ملی توسعه آموزش و پرورش در برنامه پنج ساله چهارم، و اکنون سند چشم انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هرچند که به عنوان منابع همه تحولات و اصلاحات در کشور، راهبردی فرهنگی استراتژیکی را به نمایش می‌گذارند لیکن نیازمند بررسی اکتشافی همه جانبه در باورها، ارزشها، نگرشها، الگوهای رفتاری و تحول معرفتی در سطوح مختلف سازمانی در این باره که چه کسی هستیم؟ کجا ایستاده ایم؟ و به کدام مقصد می‌رویم؟ می‌باشند. به رغم این تلاشها، تغییرات و اصلاحات انجام شده و صرف نظر از صبغه فرهنگی نظام اسلامی، هنوز به دلایل متعدد اعم از عوامل درون و برون سازمانی به نوآوریها و طرحهای مناسب‌تری برای رسیدن به موفقیت مورد نظر، نیاز است (گودرزی، بهرنگی، ربانی، ۱۳۹۷).

پیش فرض اساسی این است که ماهیت جوهره اصلی کارکرد نظام آموزش و پرورش فرهنگی است و بنابراین، انجام هرگونه اصلاحات و دستیابی به نظام آموزشی کارآمد منطبق با شرایط و نیازهای واقعی جامعه بدون شناخت و مدیریت صحیح فرهنگی و آسیب‌شناسی دقیق در این حوزه مقدور نخواهد بود. تغییر در فرهنگ مدارس تغییر در سایر ابعاد نظام آموزشی (علمی، اخلاقی و پرورشی)، فرهنگ جامعه یا سایر سازمانها را در بلند مدت پدید می‌آورد. اما، بهبود عملکرد مدارس به بیش از اقدامات مدیریتی و اجرایی نیاز دارد. دیل، و پیترسون (۲۰۰۲) بهبود فرهنگ اداره، سازمان، مدرسه و حتی کلاس درس، را ابزار پیشرفت و عملکرد آنها می‌دانند. پژوهشگرانی همانند والتین (۱۹۹۸) و فالن (۱۹۹۴) که مطالعات عمده آنها در قلمرو مدیریت آموزشی است به مدیران پیشنهاد می‌نمایند فرهنگ را قبل از انجام هر فعالیتی در مدارس با نگاه آسیب‌شناسانه شناسایی، درک و باورها را کندوکاو نمایند. لازمه موفقیت و بهبود فعالیت‌های آموزشی در سطح کلان و خرد شناخت فرهنگ مدرسه است (گودرزی، بهرنگی، ربانی، ۱۳۹۷).

بحران آسیب‌های فرهنگی در مدارس مانع تکامل فرهنگ، علم و اخلاق و انتقال فرهنگ و پیشرفت می‌شود و همان گونه که هابرماس (به نقل از رضایی، ۱۳۸۷) اشاره می‌کند این بحران حاکی از بی کارکرد شدن نظام یا بازماندن از تولید آنچه باید در اختیار سایر نهادها قرار دهد، می‌باشد. از آنجا که مدرسه به عنوان یک نهاد فرهنگی با کارکرد در همین حوزه شناخته می‌شود و اکاوی فرهنگ آن از ابعاد مختلف و بر اساس عوامل درونی و بیرونی و شناسایی آسیب‌ها و جلوگیری از مزمن شدن آنها ضروری است. این موضوع، در این نوشتار، به عنوان مهمترین مسئله نظام آموزشی به طور اعم و در مدارس به طور اخص بررسی می‌شود (گودرزی، بهرنگی، ربانی، ۱۳۹۷).

تعلیم و تربیت مجموعه‌ی منظمی از اعمال و رفتار است که معلم از آن آگاهی دارد و برای رسیدن به هدف با ارزشی، از آن میان اعمال و رفتارهای سودمندی را بر می‌گزیند، بنابراین این مجموعه باید متوجه هدفی باشد. برنامه ریزان درسی باید زمانی را به تهیه‌ی راهنمای برنامه‌ی درسی و تالیف کتب اختصاص دهند و تعیین کنند که می‌خواهند به کدام هدف‌ها برسند و از دانش‌آموزان انتظار دارند دارای چه ویژگی‌هایی شوند و سرانجام تعیین کنند که نقشه‌ی کاربردی آنها چیست؟ (مهر محمدی، ۱۳۷۳)

شتاب روز افزون رقابت در دنیای امروزی، متوجه سازمان‌های آموزشی نیز می‌باشد. مدارس در مسیر سازمانی شدن، پاسخگویی و اصلاحات اجتماعی با چالش‌های جدید رو به رو شده‌اند که موفقیت آنها منوط به فراتر از وظیفه عمل کردن کارکنان و دانش‌آموزان برای رسیدن به آرمان‌های مدرسه است (محمودی، شهامت، احمدی، صالحی، ۱۴۰۰).

شروع بحث درباره‌ی فرهنگ مدارس که دوباره در تحقیقات آموزشی احیا شده است به اثر والر (۱۹۳۲)، جامعه شناس آموزشی بر می‌گردد. او خاطر نشان ساخته که هر مدرسه دارای فرهنگ مشخصی است و در آن مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات و هنجارهایی وجود دارد که بر پایه‌ی آن قوانین اجتماعی و اخلاقی و رفتاری شکل می‌گیرد (گودرزی، بهرنگی، ربانی، ۱۳۹۷).

در دهه‌ی ۷۰ زمانی که محققان سازمانی درصدد بررسی موانع موجود در برنامه‌های تغییرات آموزشی و مدلی جهت تبیین فرایندهای تغییر در مدارس بودند، موضوع فرهنگ مدارس و بررسی آن دوباره با جدیت مطرح شد (مازلوسکی، ۲۰۰۶). در اوایل

دهه‌ی ۸۰ میلادی، فرهنگ به عنوان ویژگی مهم در عملکرد دوره‌ی متوسطه شناخته شد و همین امر زمینه‌ی لازم برای مطالعات متعدد در این حوزه را به شیوه‌ی تجربی و بر اساس مشاهدات کیفی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات در مدارس از طریق نمونه‌های کوچک فراهم ساخت (کلی، بردسون ۱۹۹۱؛ اورتایا ۱۹۸۶؛ آونز؛ لوپس پاپا؛ ۱۹۸۸؛ روسمن، ۱۹۸۸؛ ویلوور و اسمیت، ۱۹۸۶) (گودرزی، بهرنگی، ربانی، ۱۳۹۷).

بعد از آن محققان علاقه‌مند به بررسی فرهنگ در سطح وسیع و مطالعات کمی شدند و در طول دهه‌ی گذشته، پرسشنامه‌های فراوانی جهت انجام مطالعات کمی تدوین یافت. برخی دیگر از محققان فرهنگ دوره‌ی متوسطه را به اثربخشی، بهبود دوره‌ی متوسطه و تسهیل درک فرایند دوره‌ی متوسطه از طریق شناسایی عقاید و ارزش‌های اصلی که مبنای شکل‌گیری رفتار است مرتبط ساختند (گودرزی، بهرنگی، ربانی، ۱۳۹۷).

همین روند باعث شد تا در تعاریفی مدارس اثر بخش دانسته شوند که برنامه‌های آموزشی را به طور موفقیت‌آمیز برای یادگیری دانش‌آموزان به مرحله‌ی اجرا در می‌آورند. در این مدارس بیشترین فعالیت‌ها بر روی عملیاتی کردن مفهوم یادگیری متمرکز می‌شود و همه‌ی عوامل و عناصر، مسئولیت پذیرفته‌اند که یادگیری با کیفیت بالا را به عنوان هدف و وظیفه‌ی خود دنبال کنند (Rosen & Beck-Hill, 2012).

هر مدرسه دارای فرهنگ (هنجارها، معانی، ارزش‌های) خاص خود است که تحت تاثیر افکار و اعمال مدیران، معلمان و دانش‌آموزان پیشین شکل گرفته است و اعضای جدید را تحت تاثیر قرار می‌دهد (محمودی، شهامت، احمدی، صالحی، ۱۴۰۰). فرهنگ مدرسه قانونی نانوشته است اما به واقع نشانگر شخصیت و هویت مدرسه است. فرهنگ مدرسه بر چگونگی یاددهی و یادگیری دانش‌آموزان و حمایت اولیا از برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدرسه اثر گذار است. روح زندگی مدرسه‌ای و فعالیت‌های تحصیلی متأثر از فرهنگ مدرسه است. شکل‌گیری انگیزه، تعهد، تلاش و تمرکز در مدارس هم به فرهنگ مدرسه وابسته است (محمودی، شهامت، احمدی، صالحی، ۱۴۰۰).

دستیابی به فرهنگ پایدار و ثابت که حاکی از اصلاح و بازنگری برنامه‌های آموزشی تا تحول در نقش‌ها و مهارت‌های نیروی انسانی در مدرسه باشد، میتواند در تحول مدیریت و رهبری آموزشی، توسعه‌ی همکاری اولیا با مدرسه و ساختار تشکیلاتی مدرسه اثرگذار باشد. فرهنگ می‌تواند با تغییرات اجتماعی ایجاد شده در مدرسه هماهنگ شده و سبب دستیابی دانش‌آموزان به مهارت‌های اولیه‌ی زندگی جهت کامیابی شود (بازگلی، صفری، ایمانی، ۱۴۰۰).

### تبیین مولفه‌های فرهنگی

در پژوهش دیوید هارگریوز (۱۹۹۵) مولفه‌های فرهنگی در مدارس عبارتند از کنترل ابزاری- اجتماعی، انسجام گفتمانی- اجتماعی؛ آناهنگز و همکاران (۱۹۹۷) مولفه‌های فرهنگی در مدارس را شامل انتظارات هنجاری، ارتباطات مدرسه‌ای، ارتباطات دانش‌آموزان و فرصت‌های آموزشی می‌داند. والناتین و گرونرت (۱۹۹۸) مولفه‌های فرهنگی را شامل رهبری همکارانه، همیاری معلم، توسعه حرفه‌ای، حمایت حرفه‌ای، یکپارچگی هدف و مشارکت یادگیری دانسته‌اند. مطالعات لوئیس استول (۱۹۹۸) مولفه‌های فرهنگی را شامل سرعت تغییرات و پذیرش این تغییرات در دو عامل اثربخشی کارآمد و بهبود و توسعه عنوان می‌کند. ریچارد دوفور و ایگر (۱۹۹۸) بیان کرده‌اند که مولفه‌های فرهنگی مدارس شامل هدف و ارزش مشترک، تمرکز یادگیری و بهبود مستمر، تعهد و حس مسئولیت در یادگیری تمام دانش‌آموزان، روابط همکاری، کار تیمی کارکنان، انتقال تجربیات یادگیری و پاسخگو بودن است. کریستوفر واگنر (۲۰۰۲) عنوان کرده است که تخصص حرفه‌ای مشترک، همدلی و وابستگی و خودکارآمدی از جمله مولفه‌های فرهنگی مدارس هستند. کوانگ و دلار (۲۰۰۹) ارزش‌های اجتماعی مدرسه، تاکید بر یادگیری، تشریک مساعی، رهبری تحولی و برنامه‌ریزی مشترک را به عنوان مولفه‌های فرهنگی مدارس معرفی نموده‌اند. کنت پیترسون (۲۰۱۰) بیان کرده که مولفه‌های فرهنگی مدارس شامل خرده فرهنگ، رهبری، فرهنگ بیرونی، تغییر فرهنگی، فرهنگ درونی است (تسلیمی، فراستخواه ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر منظور از مولفه‌های فرهنگی طبق تعریف ارائه شده از والناتین و گرونرت می‌باشد و به بررسی این مولفه‌ها پرداخته شده است.

### تبیین مولفه های رشد اجتماعی

جریان اجتماعی شدن و رشد مهارت های اجتماعی که از لحظه ی تولد فرد شروع می شود تحت تاثیر نهادها، سازمان ها، افراد و گروه های زیادی قرار دارد که تنوع و گوناگونی مجموعه ی این عوامل سبب شده است تا رسیدن به توافق در زمینه تعریف مهارت های اجتماعی که نشان دهنده ی بلوغ رشد اجتماعی در افراد است، کمی دشوار گردد. بر خی از صاحب نظران تعاریف محدود و خاص از مهارت های اجتماعی ارائه کرده اند و برخی دیگر مهارت های اجتماعی را به صورت وسیع تعریف نموده اند. علی رغم اختلاف نظرها، وجه مشترک تمامی این تعاریف، معیار بودن کسب این مهارت ها در سطوح مختلف به عنوان ملاک رشد اجتماعی است. از جمله تعاریف نظری ارائه شده برای رشد اجتماعی عبارت است از:

- رفتارهای کلامی و غیر کلامی آموخته شده و تحت کنترل فرد که روابط میان فردی برای کسب تقویت های محیطی، یا حفظ و تداوم آنها به کار گرفته می شود مانند: رعایت نوبت، سازگاری، پیش دستی در انجام تکالیف، انتخاب کردن، پذیرایی کردن و ارتباط برقرار کردن.

- توانایی های ضروری بین فردی موثر، توانایی کمک کردن، توانایی کمک گرفتن از دیگران (جدیدی، فردی ۱۴۰۰). با توجه به تعارف متعدد ارائه شده از سوی صاحب نظران می توان گفت مهارت های اجتماعی رفتارهای کلامی و غیر کلامی مقبول، هدفمند، به هم مرتبط، تحت کنترل و آموختنی هستند که بیشتر جنبه ی تعاملی داشته و موجب شروع و تداوم روابط متقابل و مثبت با دیگران گردیده، عزت نفس را افزایش داده و پذیرش اجتماعی آنها را تسهیل می کند. انواع مهارت های اجتماعی که مبین رشد اجتماعی افراد هستند می توان به شکل زیر معرفی کرد:

- مهارت های اجتماعی آغازین: شامل گوش کردن، گفت و شنود، سوال کردن، تشکر کردن، خود را معرفی کردن، دیگران را معرفی کردن، احترام گذاشتن.

- مهارت های اجتماعی پیشرفته: تقاضای همکاری کردن، به گروه پیوستن، ارائه دستورالعمل، معذرت خواستن، دیگران را متقاعد کردن.

- مهارت های مربوط به احساس: آگاهی فرد از احساس خود و در میان گذاشتن آن با دیگران، درک احساس دیگران، تحمل خشم دیگران، تشویق خود.

- مهارت های جایگزین برای پرخاشگری: اجازه گرفتن، شریک شدن، کمک به دیگران، مذاکره کردن، خویشتنداری، پافشاری بر حقوق خود، واکنش در برابر آزار، پرهیز از آزار رساندن به دیگران، دوری جستن از نزاع.

- مهارت های مربوط به مواجهه با فشار: ابراز شکایت، تحمل بی توجهی دیگران، حمایت کردن از دوستان، واکنش در برابر شکست، تحمل تهمت، تحمل فشار گروه.

- مهارت های برنامه ریزی: شامل تصمیم گیری برای انجام کار، پیدا کردن عامل ایجاد مشکل، هدف داشتن، اولویت بندی کردن، تمرکز داشتن در کار (رهنما، علیین ۱۳۸۴).

در پژوهش حاضر مهارت اجتماعی شامل سنجش توانایی همکاری، خوش خلقی و سازگاری، احترام به دیگران، مسئولیت پذیری، امیدواری، خوش بینی و صبر و بردباری است.

### مرور پژوهش های داخلی و خارجی

در پژوهشی توسط ایمانی (۱۳۹۸) با عنوان بررسی مولفه ها و شاخص های اثربخشی مدارس متوسطه دوم استان هرمزگان، مدلی در راستای بهبود سیستم آموزشی در مدارس به نتیجه رسیده است که اولین و دومین مولفه در این پژوهش "مولفه ی اجرای فعالیت های پرورشی و فرهنگی، ورزشی و هنری" با ۸ شاخص عنوان شده است.

نتایج پژوهشی جهادی، امانی، هاشمی نصرت آباد، واحدی (۱۳۹۵) با عنوان "فرهنگ مدرسه و عملکرد تحصیلی: نقش واسطه ای نیازهای روانشناختی اساسی" بیان می کند که: ارزش های فرهنگی مدارس اثر بخش شامل چهار بعد اجتماعی، اعتقادی، اخلاقی و ارزشی است. هنجارهای فرهنگی مدارس اثر بخش در دو مولفه ی رفتاری و محیطی قابل بررسی هستند که مقوله ی محیطی شامل دو بعد مدرسه و خانواده خواهد بود. بر اساس یافته های به دست آمده از مصاحبه ها، عناصر مهم فرهنگی مدارس

اثر بخش آداب و رسوم، تشریفات و اسطوره است. روش های فرهنگ پذیری مدارس اثر بخش در چند بعد توسط مصاحبه شوندگان مطرح شد. این بخش شامل ابعاد کادر آموزشی و معلم، بعد دانش آموز، بعد بنیان جامعه، بعد مسئولین آموزش و پرورش و بعد روش آموزشی است. نتایج پژوهش برای پاسخ به سوال مدل بهینه فرهنگ سازمانی مداراثر بخش نشان داد که عملکرد مدارس اثر بخش شامل مدیریت مشارکتی، سیاست های حمایتی مدارس، محیط برانگیزاننده و ترغیب کننده ی یادگیری، زیر ساخت های مدارس اثر بخش و عوامل چهارگانه (ارزش های فرهنگی، هنجارهای فرهنگی، عناصر فرهنگی و روش های فرهنگی پذیری مدارس) منجر به افزایش دانش آموزان، ارتقای کیفیت تحصیل آنها و موفقیت در مقاطع بالاتر می شود. در آخر اینکه بر اساس یافته های تحقیق مشخص شد که بیشتر ابعاد مدل با مدل کوک و لافرتی قرابت دارد با این تفاوت که در مدل کوک و لافرتی کنش ها و تعاملات در نظر گرفته نشده است.

عامری فر و جهانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "رابطه ی بین فرهنگ سازمانی با اثربخشی مدارس از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس متوسطه ی شیراز" درصد بررسی رابطه میان دو متغیر فرهنگ سازمانی و بهبود کیفیت مدارس متوسطه بوده اند. در این پژوهش سه مولفه ی کارگروهی، توجه به نیازهای ارباب رجوع، فراهم ساختن زمینه مولفه های بهبود کیفیت و مولفه های تواناسازی و تفویض اختیار به کارکنان، فراهم کردن زمینه ی تغییر در مدرسه، رهبری اثر بخش، توجه به اهداف دراز مدت و کوتاه مدت در مدرسه به عنوان مولفه های فرهنگ سازمانی مورد توجه بوده اند. تجزیه و تحلیل داده ها در این پژوهش نشان داده است که بین فرهنگ سازمانی و بهبود کیفیت مدارس متوسطه شهر اصفهان، همچنین بین مولفه های فرهنگ سازمانی و تفویض اختیار به کارکنان، توسعه ی قابلیت های دبیران و کارکنان، توجه به ارزش های محوری، ایجاد هماهنگی و یکپارچگی میان کارکنان، فراهم کردن زمینه ی تغییر در مدرسه، رهبری اثر بخش و اهداف کوتاه مدت و بلند مدت و توجه به چشم انداز مدرسه با بهبود کیفیت، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد (عامری فر، جهانی، ۱۳۹۱).

مایبر<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان ویژگی مدارس با کیفیت بالا و اثر بخش نشان دادند که این مدارس ویژگی هایی از جمله: توجه به توسعه و رشد تمام جنبه های کودک، حمایت از تحصیلات عالی، اجتماعی، بهداشتی و سلامتی کلیه ی دانش آموزان، تدارک محیط زیستی ایمن، ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد توجه به یادگیری را دارا هستند (etal, Maier, 2018).

گونل و دمیر تاسلی<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در پژوهش خود بیان کرده اند که مدرسه ی اثر بخش یک راه موثر برای پاسخگویی آموزشی است و اساسا بین ویژگی های مدرسه ی اثر بخش و موفقیت دانش آموزان ارتباط قوی وجود دارد (Günal & Demirtasli, 2016).

آلامار<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) پژوهشی به منظور شناسایی عوامل تاثیر گذار بر اثربخشی مدارس انجام داده است که مشکل عمده ی مدارس مورد بررسی را نبود رهبری موثر، معلمان موثر و محیط کارآمد عنوان می نماید. پژوهشگر بر این اساس اقدام به ارائه ی پیشنهاداتی از جمله ارتقای کیفیت آموزش در جامعه ی مورد مطالعه و افزایش اثر بخشی در سطح مدارس دولتی را ارائه داده است (Laila, 2015).

یافته های کلی در پژوهش های داخلی و خارجی نشان می دهد که اگر در یک مدرسه فرهنگ قوی حاکم نباشد، ارزش های رفتاری و ارزش های تعالی سازمانی در آن به شدت پایین می آید و در این محیط نمی توان رفتار مناسب و نامناسب را تشخیص داد. یک فرهنگ قوی در مدرسه می تواند جایگزین قوانین و مقررات شود. پر واضح است که از نتایج عمده ی یک فرهنگ قوی در مدرسه آن است که نظم و هماهنگی در آن به خوبی شکل می گیرد، جا به جایی کارکنان در آن کاهش یافته و وفاداری و تعهد نسبت به سازمان در آن افزایش می یابد (گودرزی، بهرنگی، ربانی، ۱۳۹۷).

<sup>1</sup> Maier, A., Daniel, J.

<sup>2</sup> Günal, Y., & Demirtaşlı

<sup>3</sup> Alammar

### معرفی روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به اهداف آن از انواع پژوهش‌های کاربردی است. پژوهش‌های کاربردی برای حل مسائل فردی، گروهی یا اجتماعی انجام می‌پذیرند. این پژوهش از نظر روش یک پژوهش میدانی است و از نظر راهبرد، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه دانش‌آموزان پایه ی ششم ابتدایی منطقه ۱۲ شهر تهران، که درصدد هستیم یافته‌های پژوهش را به آنها تعمیم دهیم (پوراسدی، نوروزی، ۱۳۹۱). به منظور تعیین تعداد نمونه از مدل تصمیم‌گیری کرجسی و مورگان و کوهن که رهنمون‌های قابل تعمیم را پیشنهاد نموده اند استفاده شد و با استفاده از فرمول، خروجی نمونه آماری به ۹۳ نفر رسید. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. روش نمونه‌گیری هدفمند یا عمدی نوعی روش نمونه‌گیری است که در آن محقق قضاوت خود را در انتخاب نمونه دخالت می‌دهد. به این روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری قضاوتی هم می‌گویند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه است. به همین منظور از پرسشنامه رشد اجتماعی ایس وایتزمن<sup>۴</sup> و پرسشنامه ی فرهنگ مدرسه گرونرت<sup>۵</sup> استفاده شد. پرسشنامه ی رشد اجتماعی ابعاد همکاری، خوش خلقی و سازگاری، احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری، امیدواری، خوش بینی و صبر و بردباری را در دانش‌آموزان، و پرسشنامه ی فرهنگ مدرسه مولفه‌های فرهنگی در نظام ملی آموزش و پرورش، سازمان مدرسه، برنامه درسی، ارتباط حرفه‌ای و رشد حرفه‌ای را مورد سنجش قرار داد.

### شیوه ی تجزیه و تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش علاوه بر استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و خطای معیار میانگین) از شاخص‌های آمار استنباطی که شامل بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بین مولفه‌های فرهنگی مدرسه و رشد اجتماعی دانش‌آموزان است نیز، بهره برده شده است.

### نتایج:

بر اساس داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها، تعداد دانش‌آموزان پسر ۵۰ نفر، و تعداد دانش‌آموزان دختر ۴۳ نفر بوده است. درصد پسران و دختران مشارکت‌کننده در پژوهش به ترتیب برابر ۵۳.۷٪ و ۴۶.۳٪ بود. میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی در میان دانش‌آموزان دختر و پسر در جدول ۱، گزارش شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی رشد اجتماعی دانش‌آموزان

جنسیت	میانگین	انحراف معیار
پسر	۷۳.۷۴	۷.۹۶
دختر	۷۲.۴۸	۷.۹۵
کل	۷۳.۱۵	۷.۹۶

میانگین رشد اجتماعی در میان پسران با عدد ۷۳.۷۴ بیشتر از دختران است. میانگین رشد اجتماعی در میان اعضای نمونه به صورت کلی ۷۳.۱۵ می‌باشد. جدول ۲ همبستگی میان مولفه‌های فرهنگی و ابعاد رشد اجتماعی را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول همبستگی موید آن است که میان نظام ملی آموزش و همکاری به عنوان یکی از ابعاد رشد اجتماعی،  $-0.074$  - کمترین میزان همبستگی، و ارتباط حرفه‌ای  $0.277$  بیشترین میزان همبستگی وجود دارد. سازمان مدرسه با همکاری کمترین میزان همبستگی  $0.009$  و با احترام و سازگاری بیشترین میزان همبستگی منفی  $-0.233$  را دارد. برنامه درسی با همکاری بالاترین میزان همبستگی  $0.681$  را دارد. ارتباط حرفه‌ای با صبر و بردباری بالاترین میزان همبستگی  $-0.411$  را دارد. همچنین رشد حرفه‌ای با همکاری بالاترین میزان همبستگی  $0.603$  را دارد.

<sup>4</sup> Weitzman

<sup>5</sup> Grunt

جدول ۲- همبستگی میان مولفه های فرهنگی و ابعاد رشد اجتماعی

صبر و بردباری	همبستگی	-0.478**	0.007	93	1	1
	سطح معناداری	-1.000	0.592	93		
	تعداد	0.057	0.761	93		
خوش بینی	همبستگی	-0.131	0.482	93	1	1
	سطح معناداری	-1.112	0.547	93		
	تعداد	-0.083	0.658	93		
امیدواری	همبستگی	-0.043	0.817	93	1	1
	سطح معناداری	0.024	0.898	93		
	تعداد	-0.379*	0.035	93		
مسئولیت پذیری	همبستگی	-0.411*	0.022	93	1	1
	سطح معناداری	-1.175	0.345	93		
	تعداد	-0.067	0.722	93		
احترام	همبستگی	0.255	0.166	93	1	1
	سطح معناداری	0.206	0.267	93		
	تعداد	-0.071	0.704	93		
سازگاری	همبستگی	0.043	0.820	93	1	1
	سطح معناداری	0.820	0.522	93		
	تعداد	0.119	0.522	93		
همکاری	همبستگی	-0.166	0.373	93	1	1
	سطح معناداری	-1.166	0.373	93		
	تعداد	-0.233	0.207	93		
رشد حرفه ای	همبستگی	-0.074	0.693	93	1	1
	سطح معناداری	-0.009	0.963	93		
	تعداد	0.009	0.963	93		
ارتباط حرفه ای	همبستگی	0.143	0.442	93	1	1
	سطح معناداری	0.442	0.495	93		
	تعداد	-0.127	0.495	93		
برنامه درسی	همبستگی	0.277	0.131	93	1	1
	سطح معناداری	0.277	0.131	93		
	تعداد	0.075	0.687	93		
سازمان مدرسه	همبستگی	0.014	0.939	93	1	1
	سطح معناداری	0.939	0.939	93		
	تعداد	-0.117	0.531	93		
ملی نظام آموزش	همبستگی	0.163	0.381	93	1	1
	سطح معناداری	0.381	0.381	93		
	تعداد	0.163	0.381	93		

## منابع و مراجع

- [۱] ایمانی. (۱۳۹۱). تبیین رابطه مهارت‌های مدیریتی مدیران با جو سازمانی مدارس و رضایت شغلی معلمان از دیدگاه معلمان. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۵(۱۷)، ۴۵-۷۳.
- [۲] بازگلی، حمیدرضا؛ صفری، محمود؛ ایمانی، محمد نقی؛ (۱۴۰۰). شناسایی و رتبه بندی عوامل اثرگذار و اثرپذیر بر توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش. مدیریت فرهنگی، ۱۵(۵۱)، ۱-۱۹.
- [۳] پوراسدی، محمد؛ نوروزی، بهرام. (۱۳۹۱). تاثیر مولفه های آموزشی در تحقق پلیس جامعه محور. تحقیقات مدیریت آموزشی، ۱۴(۴)، ۱۲۷-۱۴۴.
- [۴] تسلیمی، مهناز؛ فراستخواه، مقصود. (۱۴۰۰). واکاوی مولفه‌های فرهنگ سازمانی مدارس دولتی. مطالعات رفتاری در مدیریت، ۱۲(۲۶)، ۲۱-۳۲.
- [۵] جدیدی، محسن؛ فردی، دنیز. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی و عملکرد خانواده در دانش‌آموزان ناتوانی هوشی. فصلنامه کودکان استثنایی، ۲۱(۱)، ۱۴-۱۷.
- [۶] جهادی، نویده؛ امانی، جواد؛ آباد، هاشمی نصرت آباد، تورج؛ واحدی، شهرام؛ (۱۳۹۵). فرهنگ مدرسه و عملکرد تحصیلی: نقش واسطه ای نیازهای روانشناختی اساسی. فصلنامه پژوهش های کاربردی در روان‌شناسی تربیتی.
- [۷] رهنما، اکبر؛ علیین، حمید. (۱۳۸۴). مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد شهر تهران. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۳(۲)، ۳۳-۴۴.
- [۸] عامری فر، فرشاد؛ جهانی، جعفر؛ (۱۳۹۱). رابطه بین فرهنگ سازمانی با اثربخشی مدرسه از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس متوسطه شهر شیراز. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی ۳(۱۵). ص ۱۷۰-۱۵۵.
- [۹] گودرزی، اکرم؛ بهرنگی، محمدرضا؛ ربانی، زینب؛ (۱۳۹۷). معرفی مدل مفهومی آسیب شناسی فرهنگ مدرسه. اولین کنفرانس ملی آینده مدارس در اردبیل.
- [۱۰] مهر محمدی، محمود. (۱۳۷۳). بررسی ابعاد نظری و عملی تعلیم و تربیت سؤال محور. مجله روان شناسی و علوم تربیتی، ۲.
- [۱۱] محمودی، فاطمه؛ شهامت، نادر؛ احمدی، عباداله؛ صالحی، مسلم. (۱۴۰۰). عوامل، مولفه ها و شاخص های فرهنگ سازمانی مدارس اثربخش دوره متوسطه. فصلنامه مطالعات مدیریت و توسعه پایدار، ۱(۲)، ۶۵-۹۴.
- [12] Günel, Y., & Demirtasli, R. N. (2016). A Pathway to Educational Accountability: The Relationship between Effective School Characteristics and Student Achievement. *Universal Journal of Educational Research*, 4(9), 2049-2054.
- [13] Laila, A. (2015). The effective school: The role of the leaders in school effectiveness. *Educational Research and Reviews*, 10(6), 695-721.
- [14] Maier, A., Daniel, J., Oakes, J., & Lam, L. (2018). Community Schools: A Promising Foundation for Progress. *American Educator*, 42(2), 17-22.
- [15] Rosen, Y., & Beck-Hill, D. (2012). Intertwining digital content and a one-to-one laptop environment in teaching and learning: Lessons from the time to know program. *Journal of Research on Technology in Education*, 44(3), 225-241